

ترانہ ما (دوستی ما) ی

امیرپادواری

ابراہیم ابراہیم تبار

سرشناسه: ابراهیم تبار، ابراهیم، ۱۳۴۷-
 عنوان و نام پدیدآور: ترانه‌ها (دوبیتی‌ها)ی امیر پازواری / ابراهیم ابراهیم تبار
 مشخصات نشر: بابل: راز دانش، ۱۳۹۵
 مشخصات ظاهری: ۱۴۷ ص: ۵/۲۱×۵/۱۴ س م
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۶۱-۶۹-۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص ۵۸-۶۰
 موضوع: امیر پازواری، قرن ۹ ق. - نقد و تفسیر
 موضوع: شعر مازندرانی - قرن ۹ ق
Mazandarani poetry- 15th century موضوع:
 موضوع: شعر مازندرانی - قرن ۹ - ترجمه شده به فارسی
Mazandarani poetry- 15th century- Translations into Persian موضوع:
 موضوع: شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه شده از مازندرانی
Persian poetry- 20th century- Translations from Mazandarani موضوع:
 ببندی: کنگره: ۱۳۹۵ ۲ الف ۵۸ ی ۵۶۷۱/۵ PIR
 رده: دی ۸۱۳/۳۳
 شماره کتاب‌نامه ملی: ۴۴۴۴۶۴۴



نام کتاب: ترانه‌ها (دوبیتی‌ها)ی امیر پازواری

مؤلف: ابراهیم ابراهیم تبار

ناشر: راز دانش

طراح جلد و صفحه‌آرایی: حسین نیایی

نوبت چاپ: اول

چاپخانه: پیام

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۳۶۱-۶۹-۸

نشانی پخش: ۰۱۱۳۲۱۹۴۴۶۶

پیش‌گفتار

این کتاب دو هدف اصلی در پیش دارد نخستین، معرفی امیر پازواری و کنزالاسرار مازندرانی؛ که از ذخیره‌های فرهنگی مازندران محسوب می‌شود و از روزگاران گذشته به یادگار مانده است. البته در دهه‌های گذشته زمینه‌های پژوهش درباره «امیر پازواری» فراهم آمده، که خوشبختانه تاکنون آثار زیادی در قالب کتاب و مقالات به چاپ رسیده است و به مناسبت بزرگداشت این شاعر بزرگ، همایش‌های متعددی در مازندران و تهران برگزار گردید. دانشگاه تبریز نیز مثل قاطبه مردم عقب‌نمانده و به این امر اشتیاق نشان داده است و بایانیه‌های را به موضوع امیر پازواری اختصاص داده است. همه این‌ها، از توهم مردم به فرهنگ و ادبیات کهن و پرسابقه این مرز و بوم حکایت دارد، به ویژه آن که مازندران از دیر باز مهد تمدن و فرهنگ و خاستگاه بزرگان علم و دانش بوده و شاعران و ادیبان زیادی را در دامنش پرورده است؛ اگر چه شاعری که به زبان محلی شعر سروده‌اند نمی‌توان انتظار داشت که مثل سعدی و فردوسی و حافظ و مولوی از افاضل روزگاران ایران و جهان باشند؛ و واسطه العقد ادیبان ایرانی محسوب شوند؛ لیکن می‌توان گفت که در خیل شاعرانی که به زبان محلی و بومی شعر سروده و به فرهنگ عامیانه توجه ویژه داشته‌اند، نام امیر پازواری را که بر تارک شعرای طبری گو، می‌درخشد؛ ذکر کرد.

بخش دوم این مجموعه به ترانه‌های (دوبیتی) امیر پازواری اختصاص دارد که از کنزالاسرار مازندرانی انتخاب؛ و براساس حروف الفبا با توجه به حرف آخر بیت، (به جز ترانه اول) تنظیم شده است. در ادامه این فصل، بخشی از ترانه‌های امیر که تعداد آن‌ها زیاد نیست؛ و هنوز به کتابت در نیامده اما در افواه عوام وجود داشته و در نزد همه مردم قرائت می‌شده

جمع‌آوری و نقل شده است. همچنین ترجمه ترانه‌های منتخب که در این بخش آمده از کنزالاسرار اقتباس شده، و در جاهایی که ترجمه رسا نبوده و یا ابهام در آن وجود داشته، ویرایش شده است.

تابستان ۱۳۹۵

ابراهیم ابرهیم تبار

www.ketab.ir

فهرست مطالب

عنوان

صفحه

مقدمه.....	۱۱
سیر یازواری کیست.....	۱۳
اشعار امیر یازواری.....	۱۶
معرفی دیوان میر یازواری.....	۲۱
جلد دوم دیوان.....	۲۷
مضامین و ویژگی‌های اشعار.....	۴۹
از دیگر ویژگی‌های سروده‌ی امیر.....	۴۹
امیر و نیمایوشیج.....	۵۹
ترانه‌های (دوبیتی) امیر یازواری.....	۶۵

مقدمه

تحقیق و پژوهش دربارهٔ زبان و ادبیات ملت یا قومی که از خط و کتابت بهره‌ای ندارند، امری بسیار سخت و دشوار است. حفظ و ثبت میراث فرهنگی چنین قومی در صفحه روزگار پایدار نمی‌ماند. طبری‌ها از جمله اقوامی بودند که در گذشته‌های بسیار دور، در سواحل دریا سکنا گزیدند و صاحب تمدن و فرهنگ؛ و از زبان و ادبیات بسیار غنی و پرسابقه‌ای برخوردار بودند. این قوم به زبانی که بدان لهجهٔ طبری، یا مازندرانی و به تعریض خیال «زبان دری مازندری» می‌گویند؛ (هدایت، بی‌تا: ۴۵) صحبت می‌کردند.

محدودهٔ اصلی این لهجه، از طرف شرق استرآباد؛ و از سمت غرب به نمکابه رود ختم می‌شود. زبانشناسان این زبان را بازماندهٔ ایرانی میانه یعنی پارتی (پهلوی اشکانی) دانسته‌اند. به اتفاق همهٔ مورخان و پژوهشگران از ابن اسفندیار (پدر تاریخ‌نویسی طبرستان) گرفته تا عصر ما، و به گواهی اکثر منابع موجود تاریخی، مازندران بعد از اسلام دارای ادبیات وسیع و آثار قابل توجهی بوده است که می‌توان آثار منظوم و منثور بر جای مانده از گذشته را مرزبان‌نامه، سکی‌نامه، دیوان مسته‌مرد و استاد علی پیروزه، مداحان دربار عضدالدوله دیلمی، آثار منطقی رازی، بندار رازی، ترجمه مقامات حریری، نصاب امیرعلی مازندرانی و کنزالاسرار امیر پازواری را ذکر نمود؛ و نیز از جمله شاعران دیگر مازندران که به لهجهٔ مازندرانی شعر می‌گفتند: «می‌توان زرگر، نصیر، طالب آغسی، زهره چلاوی و رضا فراتی را نام برد.» (بصاری، ۱۳۵۵: ۱۶۰) از میان اینهمه گویندگان طبری‌گو، نام امیر پازواری، شیخ‌العجم طبرستان، بر همگان برتری دارد. امیر پازواری، بزرگترین شاعر طبری‌گوی مازندران، ملقب به «شیخ‌العجم مازندران» است. دربارهٔ نام و مکان و زمان و اوضاع و احوال

زندگی وی، اطلاعاتی در دست نیست. از میان انبوه تذکرة‌های موجود، تنها در تذکرة «ریاض‌العارفین» مرحوم رضا قلی‌خان هدایت در روضه‌اول، نامی از او برده شده و به طور مختصر او را معرفی کرده است و گفته که وی در منطقه پازوار (منطقه‌ای بین بابل و بابلسر) می‌زیست. اشعار وی به زبان طبری سروده و نوشته گردید که بخشی از آن به شکل روایت در اقصی نقاط مازندران پراکنده شده بود و بخشی دیگر، سینه به سینه نقل می‌گشت تا این که به همت پرفسور «برنهارد دارن» در سن پترزبورگ به سال ۱۸۶۰ م. چاپ گردید. جلد اول مشتمل بر چهل و نه حکایت و افسانه عاشقی امیر با گوهر و نیز ۱۶۷ ترانه است که این بخش از دوبیته‌ها، مملو از الفاظ پهلوی است که می‌توان به واژه‌هایی (چون: خَجیره، Xajir، خوب و زیبا، ریجن (ریختن rijan) و مُونگ: munk ماه...) اشاره کرد.

جلد دوم اشعار وی غزلواره‌اند (غزل + مثنوی) در مضامین اجتماعی و فلسفی، دینی، عرفانی و نیز توصیف معشوقه‌اش، «گوهر» سروده شده است. امیر و گوهر، مثل لیلی و مجنون، و سروده‌ای بودند که به وصال نرسیدند و در فراق، جان سپردند.

براستی امیر شهریار مازندران است. خضر زبان و فرهنگ طبرستان است. سروده‌هایش گنجینه‌ای اسرار مردم است. ارزش سروده‌هایش در نزد مردم طبرستان کمتر از ارزش شاهنامه در نزد ایرانیان نیست. در حقیقت، او احیاءکننده زبان طبری است.